

راه ناهموار "اتحاد"

در جنبش کارگری

اینگونه طی شد!

رضا روستا

مختصری در باره پیدایش اتحادیه های کارگری

اتحادیه کارگران اساساً محصول جامعه سرمایه داری است. جامعه سرمایه داری که بر اثر تلاشی جامعه فئودالی به وجود آمد در جریان رشد خود تولید کنندگان خرد را دچار ورشکستگی نمود، وسائل تولید جامعه را در دست های کمتری متمرکز کرد، چهار چوب محدود تولید جنسی را داغان کرد و بازار داخلی سرمایه داری را بوجود آورد، با تمرکز سرمایه، تولید دستی تدریجاً به تولید ماشینی تبدیل شد و سیستم مزدوری در همه رشته های اقتصادی و اجتماعی برقرار شد. دهها و صدها سال طول کشید تا سلطه مناسبات سرمایه داری در بسیاری از کشورها برقرار شد.

در این جریان طبقه کارگر بوجود آمد و طی مبارزه با سرمایه داران سازمان های صنفی خود را بنا نهاد و وظیفه تبدیل جامعه سرمایه داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی به عهده وی محول گردید.

کارل مارکس در اثر مشهور خود "فقر فلسفه" چنین مینویسد: "تولید بزرگ اشخاصی را که یکدیگر را نمی شناسند در یکجا جمع مینماید، گر چه منافع آنان بر اثر رقابت متفاوت و مختلف است ولی حفظ دستمزد و جلوگیری از تنزل آن عده از کارگرانی که در یک محل کار می کنند دور هم جمع می نماید. این هدف مشترک که در مقابل کارفرما استقامت نمایند، آنها را با هم نزدیک می کند و فکر ائتلاف و همکاری را در مغزشان پرورش میدهد، و ادارشان می کند که در مقابل کارفرما به یکدیگر کمک نمایند و این همکاری سپس به ایجاد دسته ها و اتحادیه ها منجر می گردد. در مقابل اتحاد طبیعی سرمایه داران اتحادیه کارگری جبراً بوجود می آید و همکاری و یگانگی کارگران ضروری تر می گردد. و این همکاری و اتفاق در برابر وحدت سرمایه لازم تر از حفظ و نگاهداری دستمزد میگردد. این مبارزه در واقع جنگ داخلی است. در اینجا تمام عناصری که باید در نبرد بزرگ آتی شرکت کنند متحد میشوند و وحدت خود را توسعه میدهند... تشبیهات کارگران برای همکاری بالنتیجه شکل ائتلاف بخود می گیرد و این ائتلاف همواره دو هدف را تعقیب می نماید: موقوف کردن رقابت بین خود کارگران و مبارزه با نیروی مشترک علیه سرمایه داری..."

کارگران در جریان مبارزه علیه سرمایه داری به این نتیجه میرسند که باید تمام نیروی خود را در سازمان واحدی متمرکز نمایند تا در جبهه متشکلی مبارزه علیه سرمایه داری را آغاز کنند. برای پیدایش، رشد و استحکام اتحادیه های کارگری شرایط عینی مشخصی لازم است. و ای. لنین سه شرط اساسی را برای تشکل کارگران در اتحادیه ها ضرور میداند:

۱- پیدایش کارخانه ها و موسسات تولیدی بزرگ که در تمام طول سال کار کنند. یا ایجاد کارخانه های بزرگ و کار دائم طبقه جدید کارگر به وجود می آید که فاقد هر گونه وسائل تولید است و ارتباطش با دهات کاملاً بریده شده است.

۲- با هم بودن کارگران و تماس دائم توده های کارگر در محل واحد. چنین تماس و برخورد دائم سبب میشود که کارگران مسائل حیاتی و احتیاجاتشان را بین خود مطرح سازند، تصمیم جمعی بگیرند و به اقدام و عمل مشترکی دست بزنند و متحداً علیه ستم سرمایه داران قیام نمایند.

۳- نقل و انتقال دائمی کارگران از موسسه ای به موسسه دیگر، از کارخانه ای به کارخانه دیگر. چنین وضعی بیشتر در موقع بحران و بیکاری صورت میگیرد و به کارگران تدریجاً ثابت میشود که رژیم سرمایه داری در همه جا توأم با ظلم و ستم و استثمار است.

این شرایط تدریجاً افکار کارگران را عوض میکند و روحیه تازه ای برای همدردی، همبستگی و وحدت عمل بین آنان بوجود می آورد. چنین شرایطی قبل از همه در انگلستان بوجود آمد و زمینه را برای ایجاد اتحادیه های کارگری و رشد و تکامل آن فراهم ساخت و سپس به سایر کشورهای که در راه سرمایه داری گام برداشته، اشاعه یافت. اینک به اختصار به دوران نخستین نهضت سندیکایی بعضی از کشورهای قدیم سرمایه داری اشاره میشود.

جنبش سندیکایی در انگلستان

انگلستان زودتر از بسیاری از کشورهای اروپا در راه رشد سرمایه داری گام نهاد. در سالهای ۱۶۶۰-۱۶۴۰ در انگلستان انقلاب بورژوازی رخ داد و در اواسط قرن ۱۸ شرایط لازم برای انقلاب صنعتی فراهم گردید. انقلاب صنعتی انگلستان از سالهای ۶۰ قرن ۱۸ آغاز گردید و در سالهای ۴۰ قرن ۱۹ به پایان رسید. اختراع ماشین بخار و مولدهای بخاری (سال ۱۷۸۴) نقش مهمی در رشد صنایع ماشینی بازی کرد. این اختراع در قرن ۱۸ بهمان اندازه مهم بود که اختراع نیروی **الکتریسیته** در اواخر قرن ۱۹ و نیروی **اتم** در دوران ما.

اختراع ماشین بخار و مولدهای بخاری موجب شد که در اواخر قرن ۱۸ بیشتر صنایع انگلستان به صورت صنایع ماشینی در آیند. ماشینی شدن صنایع سبب انحطاط صنایع دستی و پیشه وران گردید، اکثریت تولید کنندگان را از وسائل تولید محروم ساخت و ثروت جامعه را به تدریج در دست اقلیت سرمایه دار متمرکز نمود.

طبقه کارگر انگلیس در دوران نسبتاً کوتاهی بوجود آمد که اساساً مربوط به دوران انقلاب صنعتی است و جمعا ۹۰ سال بیشتر طول نکشید. با انقلاب صنعتی و بکار بردن ماشین وضع طبقه کارگر بهیچوجه بهبودی نیافت بلکه ساعات کار باز هم بین ۱۵ تا ۱۸ در روز بود و در صنایع نساجی نیز به مقیاس وسیعی از کار زنان و کودکان استفاده بعمل میآمد. استثمار شدید و بی حقوقی کامل، کارگران را به مبارزه در راه بهبود وضع زندگی و ادار نمود. مبارزه کارگران انگلیس علیه سرمایه داری از همان آغاز انقلاب صنعتی شروع میشود. ابتدا این مبارزه بشکل قیام، اعمال خود سرانه و غیر متشکل علیه ماشین و سرمایه داری صورت می گرفت. رهبر قیام های کارگری علیه ماشین، کارگر متهوری بنام لو (Loud) بود که در قرن ۱۶ برای نخستین بار دستگاه های بافندگی را شکست. در قرن ۱۸ نیز کارگران به پیروی از روش لود ماشین ها را می شکستند و گاهی استاد کاران و سرمایه داران را می کشتند. قیام هایی که در سالهای ۱۷۶۵، ۱۷۷۱، ۱۷۸۳، ۱۷۸۹، ۱۷۹۱، ۱۷۹۴ در شهرهای مختلف انگلستان رخ داد تماماً دارای خاصیت بالا بودند. در این قیام ها حتی کارگران معادن زغال سنگ نیز ذخائر زغالها را می سوزاندند و معادن را خراب می کردند. این قیام ها و اعتصاب ها از یک کارخانه و یا یک ناحیه تجاوز نمی کرد ولی بهر حال نتیجه استثمار وحشیانه ای بود که کارگران را به واکنش شدید و میداشت.

در سال ۱۷۹۲ برای نخستین بار در لانکاشیر اتحادیه بافندگان تشکیل شد. کار اتحادیه ابتدا تشکیل صندوق کمک متقابل بود که تدریجاً رهبری اعتصاب ها را نیز به عهده گرفت. اتحادیه های انگلستان که به نام تردیونیون مشهورند در اواخر قرن ۱۹ فقط کارگران متخصص را به عضویت قبول می کردند و مبارزه آنها اساساً برای این بود که شغل خود را از دست ندهند. کارگران دیگر که جزو تردیونیونها نبودند به روش سابق که خراب کردن ماشین و کارخانه ها بود ادامه میدادند. در سال ۱۷۹۶ قانونی وضع شد که شامل مجازات های شدیدی علیه خراب کنندگان ماشین بود. در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ جنگ های متمادی بین انگلیس و فرانسه موجب خرابی وضع کارگران شده بود و بهمین علت اعتصاب ها و قیام ها علیه کارخانه و کارفرمایان توسعه بیشتری یافت.

این امر سبب شد که پارلمان انگلیس در سالهای ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲ قوانین ضد کارگری تازه ای تصویب نماید و طبق آخرین قانون، لودیت ها یعنی طرفداران خراب کردن ماشین ها محکوم به اعدام می شدند. قوانین ضد کارگری سبب شد که سازمان های تردیونیونی به صورت مخفی تشکیل شود و اعتصاب های کارگران را رهبری نماید.

پایان جنگ انگلیس و فرانسه در سال ۱۸۱۵ نهضت کارگری توسعه بیشتری یافت. مبارزه اعتصابی کارگران و عناصر دموکرات سبب شد که پارلمان انگلستان در سال ۱۸۲۴ تمام قوانین ضد کارگری را لغو نماید. لغو قوانین ضد کارگری پیروزی بزرگی برای کارگران انگلستان محسوب میشد. نهضت سندیکائی از همین سال رشد و توسعه بیشتر پیدا میکند. در سال ۱۸۲۵ با آغاز نخستین بحران اقتصادی سرمایه داری دامنه اعتصاب ها باز هم توسعه یافت. در همین سال پارلمان قانونی به تصویب میرساند که مانع گسترش اعتصاب میشود و در عین حال از اعتصاب شکن ها پشتیبانی بعمل می آورد. با همه این محدودیت ها و قوانین ضد کارگری تردیونیون ها توانستند در اواخر سال های ۳۰ قرن ۱۹ تعداد اعضای خود را به ۶۰۰ هزار نفر برسانند. در سالهای ۳۰ این قرن دیگر نه تنها کارگران متخصص بلکه کارگران غیر متخصص نیز به اتحادیه ها پذیرفته میشدند و تدریجاً تردیونیون های سرتاسری انگلستان از حرفه ها و مشاغل معینی تشکیل می یافت. در ایجاد اتحادیه بزرگ ملی تردیونیون ها روبرت آون (۱۸۵۷-۱۷۷۱) سوسیالیست- اتوبیست مشهور نیز نقش فعالی بازی کرد. این اتحادیه بزرگ ملی در سال ۱۸۳۴ به ابتکار روبرت آون تشکیل شد، لیکن عمر این اتحادیه بیش از یکسال نبود. علت اساسی آن نیز تمایل فعالیت جداگانه تردیونیون ها و افکار خیال پرورانه (اتوبیستی) شخص روبرت آون بود.

در سالهای ۳۰ قرن ۱۹ نهضت چارتریسم (عریضه نگاری جمعی) شروع شد. این نهضت توانست صدها هزار نفر را به مبارزه در راه اصلاحات اجتماعی و انتخابات پارلمانی جلب نماید. لیکن روش چارتریست ها روش نادرستی بود. آنها فکر می کردند که با عریضه نویسی به پارلمان میتوانند در نمایندگان تاثیر نمایند و قوانین موجود را تغییر دهند. در سال ۱۸۳۹ عریضه ای به امضای یک میلیون نفر به پارلمان تسلیم گردید ولی پارلمان انگلیس کوچکترین ترتیب اثری به آن نداد و پلیس بیش از ۴۰۰ نفر از فعالان جنبش چارتریست را بازداشت کرد و با این ترتیب دوره اولیه این نهضت پایان یافت.

در دوره دوم که در سالهای ۴۰ آغاز شد کارگران فعال تر برای قبولاندن درخواست های خود به مبارزه برخاستند. در بعضی از شهرها مبارزه و زد و خورد مسلحانه به وقوع پیوست و کوشش برای اعتصاب سرتاسری کشور توسعه بیشتری یافت. با اینکه در بعضی از نقاط تصمیم های انقلابی و قیام مسلحانه از طرف کارگران چارتریست اتخاذ میشد با همه اینها نهضت چارتریستی در سالهای ۵۰ تدریجاً از بین رفت.

جنبش اتحادیه ای در انگلستان از یک طرف توانست صدها هزار نفر کارگر را بسوی خود جلب نماید و از سوی دیگر بورژوازی انگلستان که بسیار از کشورهای مستعمره را غارت میکرد و میلیونها نفر را در داخل کشور استثمار مینمود توانست قشری از کارگران را با پول

و امتیازهای دیگر بخرد و به اصطلاح آریستوکراسی کارگری را در بین طبقه کارگر بوجود آورد. این جریان اساساً در سالهای پنجاه و ۶۰ قرن ۱۹ آغاز شد و تدریجاً قشری از کارگران را بسوی ضد انقلاب جلب نمود و اپورتونیزم را در تردیونیون ها توسعه داد. مبارزه اعتصابی اتحادیه ها در انگلستان در سالهای ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته نشان داد که جدائی و فعالیت جداگانه تردیونیون ها مانع فعالیت پیروزمندانه کارگران است. فکر پیروزی در اعتصابها و عملی شدن خواستها سبب شد که تردیونیون ها بیشتر بهم نزدیک شوند و کنگره تردیونیون های بریتانیا را بوجود آورند. نخستین کنگره تردیونیون های بریتانیا در سال ۱۸۶۸ در شهر منچستر تشکیل یافت که در آن نمایندگان بیش از ۱۰۰ کارگر تشکیل شرکت داشتند. از آن سال به بعد همه ساله در نخستین هفته سپتامبر هر سال کنگره تردیونیون ها تشکیل میشود، و مسائل اتحادیه ای مورد مذاکره و تصویب قرار می گیرد. از سال ۱۸۶۹ کنگره اتحادیه ها کمیته پارلمانی نیز انتخاب مینماید که وظیفه اش برقراری ارتباط با نمایندگان پارلمان و تدارک کنگره بعدی است. هر چند که از بدو تشکیل این کمیته تحت تاثیر رفورمیست ها قرار دارد ولی با وجود این تشکیل کنگره تردیونیون های بریتانیا گام معینی به پیش بود و توانست به همبستگی سازمانی طبقه کارگر انگلستان کمک شایان نماید.

راه توده ۱۷۱ ۲۰۰۸، ۰۳، ۱۷